



**Prediction the sense of responsibility
based on the sense of coherence and social
intelligence (case study: police
commanders at the county level)**

**پیش‌بینی نگرش نسبت به مسئولیت بر اساس حس
انسجام و هوش اجتماعی (مورد مطالعه: فرماندهان
نیروی انتظامی در سطح شهرستانها)**

Javad Einipour, Ph.D

Assistant Professor of Psychology, Amin police University,
Tehran, Iran

Asghar Aghaei, Ph.D

Assistant Professor, Amin police University, Tehran, Iran

Akbar Rezazadeh, Ph.D

Assistant Professor, Amin police University, Tehran, Iran

جواد عینی‌پور

استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم و فنون منابع سازمانی، دانشگاه
علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

اصغر آقایی*

استادیار گروه آماج و پشتیبانی، دانشکده علوم و فنون منابع سازمانی،
دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

اکبر رضازاده

استادیار گروه امنیت داخلی، دانشکده دافوس، دانشگاه علوم انتظامی
امین، تهران، ایران.

Abstract

In the community of policemen, responsibility is one of the issues that needs to be strengthened and developed and identification of the factors affecting it can be useful in its formulation; hence, this study aims to predict the responsibility attitude based on the sense of coherence and intelligence socially done. This research was descriptive-correlational. The statistical population of the study was consisted of all police commanders at county level and 82 of them were randomly selected. Responsibility Attitude Questionnaires (Salkovskis, 2000), Sense of coherence questionnaire (Antonovsky, 1987) and social intelligence questionnaire (Aung Tun Thet, 2008) were used. The method of analyzing the data was stepwise multiple regression analysis. The results of multivariate stepwise regression analysis showed that social intelligence and the manageability component of sense of coherence can significantly predict the responsibility attitude ($P < 0.001$). In a summing up, it can be stated that social intelligence and sense of coherence play a complementary role in prediction of the responsibility attitude; social intelligence with increased stress and a sense of coherence with increased self-esteem.

Keywords: sense of responsibility, social intelligence, sense of coherence, restraint

چکیده

در جامعه فرماندهان نیروی انتظامی، مسئولیت‌پذیری یکی از مسائلی است که نیازمند تقویت و توسعه است و شناسایی عوامل مؤثر بر آن، می‌تواند در نحوه شکل‌دهی آن مفید باشد؛ این پژوهش به منظور پیش‌بینی نگرش نسبت به مسئولیت بر اساس حس انسجام و هوش اجتماعی انجام پذیرفت. این تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی و جامعه آماری آن متشکل از کلیه فرماندهان نیروی انتظامی در سطح شهرستانها بود که به صورت تصادفی ساده ۸۲ نفر از آنها نمونه‌گیری شدند. از پرسشنامه‌های نگرش نسبت به مسئولیت (Salkovskis, 2000)، پرسشنامه حس انسجام (Antonovsky, 1987) و پرسشنامه هوش اجتماعی (Aung Tun Thet, 2008) استفاده شد و از شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات رگرسیون چندمتغیره گام به گام استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام چندمتغیره نشان داد هوش اجتماعی و مؤلفه مهارپذیری از حس انسجام می‌توانند به صورت معناداری نگرش نسبت به مسئولیت را پیش‌بینی نمایند ($P < 0.001$). در جمع‌بندی می‌توان گفت هوش اجتماعی و حس انسجام به عنوان مکمل یکدیگر در پیش‌بینی نگرش نسبت به مسئولیت نقش بازی می‌کنند؛ هوش اجتماعی با افزایش استرس و حس انسجام با افزایش اعتماد به نفس.

واژه‌های کلیدی: احساس مسئولیت، هوش اجتماعی، حس

انسجام، مهارپذیری

مقدمه

(1989)؛ بنابراین مسئولیت‌پذیری با هوش اجتماعی (Social Intelligence) از لحاظ نظری پیوند می‌خورد زیرا وقتی صحبت از مسئولیت می‌شود، از نوعی جهت‌گیری درباره دیگران صحبت می‌کنیم. هوش اجتماعی را به عنوان توانایی ضروری‌ای برای افراد به منظور ارتباط، درک و تعامل مؤثر با دیگران تعریف کرده‌اند (Nijholt, Stock, & Nishida, 2009). به نظر سلز (Sells, 2007) هوش اجتماعی می‌تواند به طور گسترده‌ای به عنوان یک نوع هوش که در پشت تعاملات و رفتارها قرار دارد، تعریف شود. همچنین هوش اجتماعی را درک بهتر از روابط انسان‌ها، احساس‌ها، افکار و رفتارها تعریف کرده‌اند (Wallenius, Punamaki & Rimpela, 2007). نگرش نسبت به مسئولیت به لحاظ نظری، از این حیث به هوش اجتماعی مربوط است که روابط بین انسان‌ها در هر دو مفهوم، از مفاهیم اصلی و کلیدی‌اند؛ برای مثال، عده‌ای معتقداند مسئولیت، احساس تعهدی نسبت به رعایت معیارها و هنجارهای اجتماعی مطابق با مقررات دینی و عقل سلیم است (Behtoui, 2007: 44). در همین راستا سیداکسی و وو (Sydaxay & Wu, 2020) معتقدند مسئولیت‌پذیری پلیس مفهومی است که در ارتباط و تعامل با دیگران معنا پیدا می‌کند و به شدت از معیارهای اخلاقی و هنجارهای اجتماعی متأثر است.

هوش اجتماعی دارای مؤلفه‌های ادراکی، تحلیلی-شناختی و رفتاری (مهارت‌ها) است. باهوش بودن در تجزیه و تحلیل رفتارهای اجتماعی دیگران نقش مرکزی دوجانبه‌ای دارد زیرا شامل توانایی شناسایی انگیزه‌ها و تله‌های شناختی مربوط به افراد دیگر است؛ به‌علاوه، افراد باهوش اجتماعی بسیار، قادر به تولید رفتار کافی برای به دست آوردن و رسیدن به اهداف اجتماعی خواستنی خودند؛ برای مثال در موقعیت‌های متضاد، هوش اجتماعی در دستیابی به راه حل مسالمت‌آمیز، آنقدر مفید و باارزش است که باعث می‌شود فرد پرخاشگری را انتخاب کند یا آرام بودن را. انتخاب این دو نوع از رفتارهای متضاد برای افراد باهوش از نظر اجتماعی، اختیاری است (Bjorkqvist & Osterman, 2000: 192-193). اکه، سسلیا و چوژر (Ekeh, Cecilia & Chujor, 2017: 1) در تحقیقی گزارش کردند که هوش اجتماعی

«مسئولیت‌پذیری» (responsibility) به توانایی بروز و نشان دادن خود به عنوان عضو دارای حس همکاری، مؤثر و سازنده در گروه اطلاق می‌گردد (Faghihipour, Atashi, 2011: 71). احساس مسئولیت عبارت است از قابلیت پذیرش، پاسخ‌گویی و به عهده‌گرفتن کاری که فرد حق دارد آن را بپذیرد یا نپذیرد (Kelems & Bean, 1989)؛ به‌نقل از (Alipour, 2006). مسئولیت‌پذیری تعهد و الزامی درونی از سوی فرد برای انجام مطلوب کلیه فعالیت‌هایی است که بر عهده وی گذاشته می‌شود (Seroto, 1989)؛ به نقل از (Mousavi Dehmardi, 2000) که اکتساب امنیت برای انجام آن نقش کلیدی و اساسی دارد (Pedersen, Uhrenfeldt, 2019) و از درون فرد سرچشمه می‌گیرد (Tabatabaie, Tabatabaie, Kakai, MohammadiAria, 2012: 25).

مسئولیت‌پذیری از جمله ویژگی‌های شخصیتی است (Zare, Naseri Jaahromi, Zeinalipoor, Mohammadi, 2012: 5-6). مردم‌آمیزی و خویش‌داری از ویژگی‌های شخصیتی تا حدودی با مسئولیت‌پذیری همبسته است؛ اما نقش ارزش‌ها و کنترل‌ها بیشتر است (Gauff, 1967)؛ به نقل از (Tabatabaie et al, 2012: 25). فردی که دارای حس مسئولیت‌پذیری بسیار است، نیازهای خود را در راه نیازهای جمع فدا می‌کند. این قبیل افراد پیامدهای رفتارهای خود را می‌پذیرند و قابل اعتماد و اطمینانند؛ نسبت به ساختار اجتماعی بزرگتر احساس تعهد کرده و اگرچه لزوماً رهبر نیستند اما درستکار بوده و به عهد خود وفا می‌کنند. فرد مسئول به ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی و مدنی پایبند است (Marnat, 1997). همچنین این مفهوم حاوی وابستگی عاطفی و روانی به سازمان است که بر اساس آن، فردی با سطح تعهد بالا، هویت خود را با سازمان معین می‌کند، در سازمان مشارکت می‌کند و در آن درگیر می‌شود و از عضویت در سازمان لذت می‌برد (Souri & Karami, 2015: 625).

نظریه انتخاب معتقد است انتساب تصمیم‌گیری‌ها به خویش و ایجاد روابط درست و منطقی با افراد می‌تواند از کنترل‌های بیرونی کاسته و به فرد کمک می‌کند بر خود مسلط بوده و مسئولیت اعمال خود را بپذیرد (Glaser, 2017: 1).

مسئولیت‌پذیری متأثر از مفهوم دخالت‌کننده دیگری به نام حس انسجام (Sense of Coherence) است؛ این مفهوم، منسجم‌کننده هویت وی در برابر تنش‌ها و مشکل رابطه وی با دیگران است. حس انسجام به لحاظ نظری از راه افزایش احساس مهارپذیر بودن وقایع در مسئولیت‌پذیری نقش ایفا می‌کند. آنتونووسکی (Antonovsky, 1987) حس انسجام را به صورت جهت‌گیری ای شخصی به زندگی تعریف می‌کند. به گمان وی از طریق حس انسجام می‌توان توجه کرد که چگونه فردی می‌تواند با تنش زیاد مقابله نماید؛ در نتیجه حس انسجام یعنی تمایل افراد به اینکه دنیای خودشان را درک کردنی، اداره‌شدنی و بامعنا ببینند (Kravetz, Drory & Florian, 2001: 233-236). حس انسجام دربرگیرنده سه مفهوم اساسی است: قابل‌درک بودن وقایع (comprehensibility)، قابل‌مدیریت بودن وقایع (manageability) و معنادار بودن (meaning) وقایع از نظر فرد (Alipour, & Sharif, 2012: 50). جمله این مؤلفه‌ها به لحاظ نظری با مسئولیت‌پذیری در ارتباطند زیرا باعث افزایش اعتماد به نفس فرد در تقبل انجام کار می‌شوند. فلنزبورگ - مادسن، ونگوت و مریک (-Flensborg-Madsen, Vetegodt & Merrick, 2005: 767-770) معتقدند مفهوم حس انسجام در سال‌های اخیر به درک بهتر عناصر اجتماعی مؤثر بر متغیرهای روان‌شناختی کمک کرده است. مفهوم «حس انسجام» در سال‌های اخیر توجه رو به تزایدی را به خویش در تبیین پدیده‌های روان‌شناختی جلب کرده است (Grøholt, Stigum, Nordhagen, & Köhler, 2003: 195-196). به باور سوپر، ویجمارکر، پیکاوت، ورکوویجن و کویلن (Super, Wagemakers, Picavet, Verkooyen & Koelen, 2016) افراد دارای حس انسجام بیشتر، بهتر می‌توانند استرس‌ها و اضطراب‌های خویش را در طی روز کنترل کنند. بر اساس تحقیقات جدیدتر، برخی از راهبردهای ذهنی به مسئولیت‌پذیری بیشتری منتهی می‌گردد؛ برای مثال راهبرد تضاد ذهنی (mentally contrasting) که به معنای در نظر گرفتن موانع حقیقی تحقق و نیل به اهداف است، راهبردی است که معمولاً توسط افراد با احساس مسئولیت زیاد اتخاذ می‌شود (Sevincer, Musik, Degener, Greinert, & Oettingen, 2020).

می‌تواند استرس شغلی را - که پیامد احساس مسئولیت است- پیش‌بینی کند زیرا افراد دارای این نوع از هوش، دارای رویکردی کنترل‌گرایانه بر افراد و وقایعند. بر اساس نظریه‌های رفتارگرایانه و مخصوصاً نظریه ماورر می‌توانیم، این مسأله را درک کنیم که چگونه پیوند هوش اجتماعی با استرس، خاصیت افزایش‌دهندگی احساس مسئولیت را ایفا می‌کند؛ بر اساس نظریه ماورر هیجان‌های منفی می‌توانند نوعی تقویت‌کننده منفی محسوب شوند و فرد را وادار به انجام فعالیت‌ها و کارهایی کنند که از تجربه هیجان‌های ناخوشایند و منفی جلوگیری کنند (Hergenhahn & Olson, 2001؛ به نقل از Seif, 2005).

مسئولیت‌پذیری ممکن است جنبه غیرمعقول به خود بگیرد؛ اگر آن را بدین‌صورت تعریف کنیم: باور به اینکه شخص توانایی آن را دارد که به طور ذهنی، اثری مهم در وقوع یا جلوگیری از بروز پیامدهای منفی مهم بگذارد (Salkovskis et al, 2000). این گونه حس مسئولیت به خلق منفی، اضطراب، افسردگی و رفتارهای خنثی‌کننده منجر می‌شود. اختلال‌هایی چون کمال‌گرایی و وسواس جبری- عملی با این نوع از احساس مسئولیت رابطه معناداری نشان داده‌اند (Kabirnejad, Mahmoud Alilou & Sharifi, 2010: 111).

مسئولیت‌پذیری چه از نوع معقول و چه از نوع غیرمعقول آن، متشکل از مؤلفه‌هایی چون سخت‌گیری وجدان، سرزنش خویش و تمایل به پذیرش کارهای انجام نشده دیگران است و آنچه بین این دو نوع تفاوت واقعی ایجاد می‌کند، معنایی است که فرد به اقدامات خویش می‌دهد. این معانی ممکن است برای شخص منطقی یا غیرمنطقی باشند. ممکن است شخصی دارای وجدانی سخت‌گیر باشد؛ اما با معنای منطقی‌ای که به این سخت‌گیری می‌دهد، دارای مسئولیت‌پذیری از نوع سالم باشد. همچنین ممکن است شخصی خویش را به دلایل منطقی سرزنش کند و یا اینکه به دلایل منطقی به انجام کارهایی بپردازد که علی‌القاعده بر عهده وی نیست؛ چنین شخصی با تکیه بر معنای منطقی داده شده به اقدامات خویش دارای مسئولیت‌پذیری از نوع سالم است.

پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش و ناقص تعداد نمونه به ۸۱ کاهش یافته است.

ابزارهای سنجش

مقیاس نگرش نسبت به مسئولیت (Responsibility Attitude Scale): این مقیاس ۲۶ سؤال دارد که سالکوکوسکیس (Salkovskis, 2000) آن را ساخته است (به نقل از Kabirnejad et al, 2010, 112) و روایی و پایایی آن در جامعه دانشجویان ایرانی را کبیرنژاد و همکاران (Kabirnejad et al, 2010) بررسی کرده‌اند. این پرسشنامه به روش لیکرتی نمره‌گذاری می‌شود: (کاملاً موافقم = ۵ نمره، موافقم = ۴ نمره، نظری ندارم = ۳ نمره، مخالفم = ۲ نمره، کاملاً مخالفم = ۱ نمره). نمره بالاتر در این مقیاس، نشان‌دهنده احساس مسئولیت بیشتر است. مقیاس نگرش به مسئولیت از روایی پذیرفتنی‌ای برخوردار است. ضریب همبستگی مقیاس نگرش به مسئولیت با پرسشنامه‌های وسواسی- اجباری مادزلی و افکار ناکارآمد به ترتیب ۰/۴۵ و ۰/۵۱ به دست آمد. کبیرنژاد و همکاران (Kabirnejad et al, 2010)، روایی سازه آن را از طریق تحلیل عاملی اکتشافی مناسب گزارش و سه مؤلفه را در آن شناسایی نمودند: الف- وجدان سختگیر ب- مسئولیت افراطی و ج- سرزنش خود. آن‌ها همچنین به روش بازآزمایی میزان پایایی آن را ۰/۸۴ و ضریب همسانی درونی آن را ۰/۹۴ گزارش کردند؛ بنابراین، پرسشنامه از میزان پایایی خوبی برخوردار است. ماده اول این مقیاس عبارت است از: «من باید مطمئن شوم که مردم دیگر از تمامی عواقب اعمالی که من انجام می‌دهم در امان باشند».

پرسشنامه حس انسجام (Sense of coherence questionnaire)

نسخه اولیه این پرسشنامه را آنتونوسکی (Antonovsky, 1987) تهیه کرد. پرسشنامه حس انسجام ۲۹ سؤال دارد که به صورت لیکرتی ۷ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. برای پاسخ، میزان موافقت فرد با هر گویه از طریق تأیید یکی از هفت درجه علامت زده می‌شود. این پرسشنامه دارای سه مؤلفه است: مهارپذیری وقایع، فهم‌پذیری وقایع و مقصود. در ۲۶ مطالعه انجام شده، اندازه آلفای کرونباخ از ۰/۸۲ تا ۰/۹۵ گزارش شده است (Antonovsky, 1993).

هوش اجتماعی و حس انسجام با مسئولیت‌پذیری ارتباط نظری دارد فارغ از اینکه آن را معقول در نظر بگیریم و یا اینکه آن را غیرمعقول در نظر بگیریم زیرا این متغیرها به معنای‌ای که افراد به اقدامات خویش می‌دهند، حساس نیستند؛ بنابراین پی بردن به میزان ارتباط متغیرهای پیش‌بین این تحقیق (هوش اجتماعی و حس انسجام) با مسئولیت‌پذیری می‌تواند ما را در درک مؤلفه‌های بنیادی آن در هر شکل ممکن آن یاری نماید. پی بردن به همبسته‌های مسئولیت‌پذیری در فرماندهان نیروی انتظامی سبب خواهد شد در تربیت و آموزش‌های حرفه‌ای آن‌ها، برنامه آموزشی ویژه‌ای تدارک دیده شود و یا در ارزیابی‌های صلاحیت شغلی آن‌ها برای انتصاب به سمت فرماندهی، ملاک‌های ویژه‌ای مورد توجه قرار گیرد. متغیرهایی نظیر هوش اجتماعی و به‌خصوص حس انسجام در ارتباط با مسئولیت‌پذیری فرماندهان چندان مورد پژوهش قرار نگرفته‌اند.

سؤال‌های اساسی تحقیق عبارتند از:

سؤال اول: میزان همبستگی متغیر احساس مسئولیت با هوش اجتماعی و حس انسجام (فهم‌پذیری، مهارپذیری و مقصود) چقدر است؟

سؤال دوم: آیا احساس مسئولیت در فرماندهان نیروی انتظامی بر اساس حس انسجام (فهم‌پذیری، مهارپذیری و مقصود) و هوش اجتماعی پیش‌بینی شدنی است؟

سؤال سوم: آیا زیرمؤلفه‌های احساس مسئولیت (وجدان سختگیر، مسئولیت افراطی و سرزنش خود) بر اساس حس انسجام (فهم‌پذیری، مهارپذیری و مقصود) و هوش اجتماعی قابل پیش‌بینی‌اند؟

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: این تحقیق از نوع توصیفی و از روش همبستگی و رگرسیون گام به گام برای تجزیه و تحلیل آن استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه فرماندهان نیروی انتظامی در سطح شهرستان‌هایند که از این جامعه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری گرین (۵۰+۸K) و به صورت تصادفی ساده ۸۲ نفر انتخاب شده و

روش اجرا و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق از بین کلیه فرماندهان نیروی انتظامی در سطح شهرستان‌ها، به صورت تصادفی ساده ۸۲ نفر انتخاب شدند؛ سپس برای سهولت دسترسی فرماندهان به پرسشنامه‌ها، پس از کسب مجوزهای لازم، با دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس) دانشگاه علوم انتظامی امین هماهنگی‌های لازم صورت گرفت و بدین طریق کلیه پرسشنامه‌ها در اختیار فرماندهان گذاشته شد. سپس اطلاعات پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده در نرم افزار SPSS وارد و از طریق رگرسیون چندمتغیره گام‌به‌گام تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها

سؤال اول: میزان همبستگی متغیر احساس مسئولیت با هوش اجتماعی و حس انسجام (فهم‌پذیری، مهارپذیری و مقصود) چقدر است؟

ماتریس همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک نشان‌دهنده آن است که متغیرهای «مهارپذیری و قایع» با ضریب همبستگی (+۰/۳۲)، «مقصود» با ضریب همبستگی (+۰/۲۹) و «هوش اجتماعی» با ضریب همبستگی (+۰/۳۹) دارای همبستگی معناداری با احساس مسئولیتند ($P < 0.01$).

علی پور و شریف (50: Alipour & Sharif, 2012) آلفای کرونباخ ۰/۹۶ را برای آن گزارش نمودند؛ بنابراین پرسشنامه از روایی و پایایی خوبی برخوردار است. این پرسشنامه با این سؤال شروع می‌شود: «هنگامی که شما با مردم صحبت می‌کنید، آیا این حس را دارید که آنها شما را درک نمی‌کنند؟».

پرسشنامه هوش اجتماعی (Social intelligence questionnaire): این پرسشنامه را برای نخستین بار آنگ تون ت (Aung Tun Thet, 2008) تهیه کرد که دارای ۴۵ ماده است (به نقل از: Safarinia, Solgi, & Tavakoli, 2011: 61) تون‌ت روایی و پایایی پرسشنامه را در حد مطلوب گزارش نموده است. نمره‌دهی آن به صورت بلی (۱ نمره) و خیر (۰ نمره) است. هر آزمودنی نمره‌ای بین ۰ تا ۴۵ کسب می‌کند و امتیاز بالاتر به منزله هوش اجتماعی بیشتر است. صفاری و همکاران (Safari et al, 2011: 57) آلفای کرونباخ آن را ۰/۷۸ و از طریق دونیمه کردن، همبستگی آن‌ها را ۰/۷۶ و از طریق بازآزمایی آن را ۰/۷۵ گزارش کردند. آن‌ها برای بررسی روایی از روش هم‌زمان استفاده نمودند که همبستگی بالای آن را با پرسشنامه هوش هیجانی تأیید کرد؛ بنابراین این پرسشنامه نیز از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است. این پرسشنامه با این ماده شروع می‌گردد: «من به طور کلی انسان‌ها را دوست دارم».

جدول ۱: ماتریس ضرایب همبستگی

ضریب همبستگی پیرسون					
متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
احساس مسئولیت	-				
فهم‌پذیری	۰,۰۵	-			
مهارپذیری	۰,۳۲**	۰,۵۱**	-		
مقصود	۰,۲۹**	۰,۴۲**	۰,۸**	-	
هوش اجتماعی	۰,۳۹**	-۰,۰۵	۰,۱۴	۰,۲۴*	-

سؤال دوم: آیا احساس مسئولیت در فرماندهان نیروی انتظامی بر اساس حس انسجام (فهم‌پذیری، مهارپذیری و مقصود) و هوش اجتماعی پیش‌بینی شدنی است؟

بر اساس جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود که دو مدل پیش‌بینی کننده برای احساس مسئولیت بر اساس هوش اجتماعی و مؤلفه‌های حس انسجام قابل شناسایی است ($F < 0.05$).

جدول ۲: خلاصه مدل

مدل	R	R ²	خطای استاندارد برآورد	آماره‌های تغییر			خطای استاندارد برآورد	R ² تعدیل شده	R ²	مدل
				F تغییر	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲				
۱	۰,۵۱	۰,۲۶	۱۱,۲۹	۲۸,۷۴	۱	۸۰	۰,۲۶	۰,۲۵	۱	
۲	۰,۵۸	۰,۳۴	۱۰,۷۴	۹,۴۲	۱	۷۹	۰,۳۲	۰,۳۴	۲	

بر اساس جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود که هوش اجتماعی با بتای ۰/۴۶ و مهارپذیری وقایع با بتای ۰/۲۸ می‌تواند احساس مسئولیت را به صورت مثبتی پیش‌بینی کند. R² تعدیل یافته در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که ۳۲٪ تغییرات احساس مسئولیت را می‌توان بر اساس ترکیب خطی مشترک متغیرهای هوش اجتماعی و مهارپذیری وقایع پیش‌بینی کرد.

جدول ۳: پیش‌بینی میزان احساس مسئولیت بر اساس مؤلفه‌های حس انسجام و هوش هیجانی

مدل	ضرایب غیراستاندارد		t	F	همبستگی	آماره‌های همخطی		
	B	خطای استاندارد				Beta	تحميل	VIF
۱ (ثابت)	۶۲,۹	۶,۱۶	۱۰,۲	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۵۱	۰,۵۱	۰,۵۱
۱ هوش اجتماعی	۱,۵۳	۰,۲۸	۵,۳۶	۲۸,۷۴	۰,۰۰۱	۰,۵۱	۰,۵۱	۰,۵۱
۲ (ثابت)	۴۸,۹۶	۷,۴۱	۶,۶	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۵۱	۰,۴۹	۰,۴۶
۲ هوش اجتماعی	۱,۳۹	۰,۲۷	۵,۰۶	۲۰,۶	۰,۰۰۱	۰,۹۷	۰,۴۶	۰,۴۹
۲ مهارپذیری وقایع	۰,۴	۰,۱۳	۳,۰۷	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۹۷	۰,۲۸	۰,۳۲

سؤال سوم: آیا زیرمؤلفه‌های احساس مسئولیت (وجدان سختگیر، مسئولیت افراطی و سرزنش خود) بر اساس حس انسجام (فهم‌پذیری، مهارپذیری و مقصود) و هوش اجتماعی پیش‌بینی شدنی‌اند؟ در نهایت کلیه مؤلفه‌های احساس مسئولیت (وجدان سختگیر، مسئولیت افراطی و سرزنش خود) به‌طور جداگانه نیز به‌عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شدند که بر اساس نتایج جدول شماره ۵ مشخص شد وجدان سختگیر صرفاً بر اساس متغیر مهارپذیری وقایع پیش‌بینی شدنی است (Beta=۰/۳۷ و P<۰,۰۱). دیگر مؤلفه‌های احساس مسئولیت (مسئولیت افراطی و سرزنش خود) بر اساس متغیرهای هوش اجتماعی و مؤلفه‌های حس انسجام پیش‌بینی شدنی نیستند (P>۰,۰۵).

نتایج جدول شماره ۵ مشخص شد وجدان سختگیر صرفاً بر اساس متغیر مهارپذیری وقایع پیش‌بینی شدنی است (Beta=۰/۳۷ و P<۰,۰۱). دیگر مؤلفه‌های احساس مسئولیت (مسئولیت افراطی و سرزنش خود) بر اساس متغیرهای هوش اجتماعی و مؤلفه‌های حس انسجام پیش‌بینی شدنی نیستند (P>۰,۰۵).

جدول ۵: پیش‌بینی وجدان سختگیر بر اساس مؤلفه‌های حس انسجام و هوش اجتماعی

مدل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد شده		همبستگی
	B	خطای استاندارد	Beta	t	
(ثابت)	۳۵,۰۵	۳,۹۹	۰,۰۰	۸,۷۷	
مهارت‌پذیری وقایع	۰,۳۴	۰,۰۹	۰,۳۷	۳,۶۲	۰,۰۰۱
					۰,۳۷

بحث و نتیجه‌گیری

و ارائه راه‌حل‌های نوآورانه برای شرایط پیچیده می‌داند؛ بنابراین ملاحظه می‌شود که در هوش اجتماعی مؤلفه‌هایی کلیدی مبتنی بر تسلط‌خواهی، اشتراک با دیگران و نقش‌پذیری وجود دارد که باعث افزایش مسئولیت‌پذیری می‌گردد. سعی برای تأثیرگذاری در صورتی تصورکردنی است که بپذیریم این افراد چنین می‌اندیشند که موظف به انجام تکالیفی هستند و یا حداقل احساس می‌کنند از انجام برخی وظایف حسّ بهتری خواهند داشت. وقتی شخصی به دیگران انگیزه می‌دهد، احساس می‌کند اوضاع حاکی از رکود و سکون افراد نباید بر همان وضعیت سابق باقی بماند؛ به عبارت دیگر، شخص خود را به جای دیگری می‌گذارد و آن معضل و مشکل را قابل حل و فصل می‌بیند و بر این اساس تمایل شدید خویش را برای حل مشکل در قالب تشویق و انگیزه‌بخشی به او محقق می‌کند. به دلیل همین مبانی نظری است که می‌توانیم تبیین کنیم که چرا هوش اجتماعی می‌تواند احساس مسئولیت را پیش‌بینی کند.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر آن است که مهارت‌پذیری وقایع از خرده‌مؤلفه‌های حسّ انسجام می‌تواند احساس مسئولیت و از جمله وجدان سختگیر را پیش‌بینی کند. مهارت‌پذیری وقایع فرد را قادر می‌کند با اعتماد به نفس بیشتری خود را برای ایفای نقش در حل مسائل و مشکلات درگیر سازد و در واقع اگر هوش اجتماعی در فرد این استرس را ایجاد می‌کند که دائماً در حال رصد و کنترل مسائل مربوط به روابط با دیگران بماند، به باور سوپر و همکاران (Super, 2016) حسّ انسجام و به تبع آن مهارت‌پذیری در فرد، این قابلیت را ایجاد می‌کند که بیشتر در مسئولیت‌پذیری غرق شود و پذیرای چالش‌ها و مسائل بیشتری در حوزه روابط با دیگران باشد زیرا این دسته از

این پژوهش با هدف پیش‌بینی نگرش نسبت به مسئولیت بر اساس حسّ انسجام و هوش اجتماعی انجام شد. بر اساس نتایج تحلیل، هوش اجتماعی پیش‌بینی‌کننده احساس مسئولیت است. این یافته در راستای تحقیق اکه و همکاران (Ekeh et al, 2017) است. هوش اجتماعی که توانایی درک احساس، افکار و رفتار دیگران و خود در روابط میان‌فردی است، از آن حیث پیش‌بینی‌کننده احساس مسئولیت است که به باور البدری (Al-Badri, 2001) در محتوای خود توانایی ایجاد روابط موفق، نشان دادن همدلی نسبت به دیگران و احساسات آن‌ها و عمل عاقلانه را جای داده است. همدلی موجود در هوش اجتماعی باعث می‌شود هیجان و احساس فرد برای رفع مسائل و مشکلاتی که در نتیجه روابط با دیگران مشاهده نموده است، با رفتارهای حل مسأله عجین و آمیخته گردد؛ بنابراین باعث می‌شود فرد نوعی اشتراک را با دیگران تجربه نماید، نسبت به مسائل و چالش‌های دیگران بی‌تفاوت نباشد و رویکردی مسئولیت‌پذیرانه داشته باشد. وقتی از روابط موفق صحبت می‌شود، تحقق آن بدون ایفای نقش یاریگرانه در روابط بین فردی، امری سخت است؛ نقش یاریگرانه فرد در روابط باعث می‌شود تا افراد بر حسب باورها و توانایی‌های خویش به مسئولیت خویش در قبال شخص یا اشخاصی که با آن‌ها در ارتباطند، بهای بیشتری دهند؛ بنابراین از آنجا که هوش اجتماعی به توانایی فرد در ایجاد روابط موفق افراد با دیگران اشاره می‌کند، از کنش‌های مسئولیت‌پذیرانه به عنوان لازمه تحقق آن قابلیت بهره می‌برد تا بتواند آن را به حداکثر برساند. سیلبرمن (Silberman, 2000) دو جنبه مهم از هوش اجتماعی را تأثیرگذاری، انگیزه دادن و متقاعد کردن دیگران

پدیدارشناسی، پدیده مسئولیت‌پذیری را در آن‌ها مورد واکاوی و بررسی قرار دهند.

قدردانی

بدین‌وسیله از تمامی فرماندهان نیروی انتظامی که در انجام این پژوهش همکاری‌های لازم را انجام دادند، تشکر و قدردانی می‌شود.

تضاد منافع

نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی درباره این تحقیق ندارند.

منابع

- Al-Badri, N. K. (2001). Social intelligence and its relationship to some key dimensions of Personality among the students of middle school, unpublished PhD thesis, University of Basrah, College of Education.
- Alipour, A., & Sharif, N. (2012). Validity and reliability of the Sense of Coherence (SOC) questionnaire in university students. *Pajoohande*, 17 (1):50-56.
<http://pajoohande.sbm.ac.ir/article-1-1276-fa.html>
- Antonovsky, A. (1993). The structure and properties of the sense of coherence scale. *Social Science & Medicine*, 36(6), 725-33.
- Behtoui, L. (2007). Participation and responsibility in the light of informal activities. *Teacher development Magazine*, 209, 43-45.
- Bjorkqvist, K., & Osterman, K. (2000). Social Intelligence- Empathy=Aggression? *Aggression and Violent Behavior*, 5(2), 191-200.
- Ekeh, P. U., Cecilia, E.A., & Chujor, CH. J. (2017). Predicting occupational stress from emotional and social intelligence of civil servants in Rivers State. *British Journal of Psychology Research*, 5(3), 1-11.
- Faghihipour, J., Atashi, S., & Faghihipour, S. (2011). An Investigation of the Relationship between Tolerance of Stress, Self- esteem and

افراد بر این باورند که حوادث و رویدادها مدیریت، مهار و کنترل کردنی است و این مسأله به عزت نفس آن‌ها در برخورد با مسائل می‌افزاید و باعث می‌شود با اعتماد به نفس بیشتری در موقعیت‌های مشابه عمل کنند. نگرانی و دلشوره برای کنترل اوضاع و شرایط، فرد را متوجه قبول کارهایی می‌کند که اگرچه اضافی و مربوط به دیگران است؛ اما انجام آن باعث می‌شود از نگرانی فرد بکاهد؛ فرایند مسئولیت‌پذیری در چنین حالتی رو به افزایش می‌نهد زیرا با توسعه هرچه بیشتر آن، به مثابه نوعی تقویت‌کننده برای رهایی از استرس کنترل اوضاع و موقعیت‌ها عمل می‌کند؛ یعنی فرد با تقبل مسئولیت‌های بیشتر از احساس منفی استرس رها می‌شود. این فرآیند را می‌توانیم بر اساس مفهوم راه‌حل‌آموزی در تئوری شرطی‌سازی دوعاملی ماورر نیز بهتر درک کنیم؛ به اعتقاد وی، راه‌حل‌آموزی شامل یادگیری انجام دادن فعالیت‌هایی است که یا به محرک آزارنده و یا به هیجان‌های منفی مانند ترس، استرس و دیگر هیجان‌های منفی پایان می‌دهد. فعالیت‌های مد نظر در اینجا، همان فعالیت‌های ناشی از مسئولیت‌پذیری است و هیجان منفی نیز استرسی است که فرد را وادار می‌کند دائماً در حال رصد و کنترل شرایط، موقعیت‌ها و مسائل مربوط به روابط با دیگران باشد. هر دو مکانیزم ایجاد استرس برای تحت کنترل درآوردن موقعیت و باور به مهارپذیری اوضاع، خاصیت افزایش‌دهندگی مسئولیت‌پذیری را برعهده دارند. این دو فرآیند را می‌توان به نوعی مکمل یکدیگر در خلق و شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری دانست.

محدودیت عمده این تحقیق، محافظه‌کاری فرماندهان در پاسخ‌دهی به پرسشنامه‌ها بود که محقق سعی کرد با اطمینان‌بخشی لازم درباره محرمانه ماندن اطلاعات و مخفی ماندن هویت پاسخگویان تا حد ممکن بر آن غلبه نماید. در راستای نتایج تحقیق، پیشنهاد می‌گردد هنگام انتصاب فرماندهان، میزان هوش اجتماعی آن‌ها مورد آزمون قرار گیرد و همچنین در حین خدمت با اجرای دوره‌های آموزشی کارگاهی، باورهای صحیح «مهارپذیری وقایع» را به آن‌ها آموزش داد. همچنین پیشنهاد می‌گردد محققان در آینده، برای تکمیل نتایج این تحقیق، با اجرای تحقیق کیفی به صورت

- Pedersen, B., uhrenfeldt, L., Jacobson, H. R & Jorgensen, L. (2019). The role of responsibility in oncological emergency telephone calls. *Nordic journal of nursing research*.
<https://doi.org/10.1177%2F0969733019839214>
- Safarinia, M., Solgi, Z., & Tavakoli, S. (2011). Investigating validity and reliability of Social Intelligence Questionnaire Among university students in Kermanshah. *Social psychology research, 1*(3), 57-70.
- Salkovskis, P. M., Wroe, A. L., Gledhill, A., Morrison, N., Forrester, E., Richards, C., Reynolds, M., & Thorpe, S. (2000). Responsibility attitude and interpretations are characteristics of obsessive and compulsive disorder. *Behavior Research and Therapy, 38*, 347-372.
- Sevincer, A. T., Musik, T., Degener, A., Greinert, A., & Oettingen, G. (2020). Taking Responsibility for Others and Use of Mental Contrasting. *Personality and Social Psychology Bulletin*,
<https://doi.org/10.1177/0146167219898569>
- Silberman, M. (2000). Peoplesmart: Developing your interpersonal intelligence. San Francisco, CA: Berrett-Koehler Publishers Inc.
- Souri, A., & Karami, Z. (2015). Relationship between Responsibility's Aspects and Commanders' Performance in Ardabil. *Journal of Police Management Research, 9*(4), 623-645.
http://journals.police.ir/article_18280.html
- Super, S., Wagemakers, M. A. E., Picavet, H. S. J., Verkooijen, K. T., & Koelen, M. A. (2016). Strengthening sense of coherence: opportunities for theory building in health promotion, *Health Promotion International, 31*(4), 869-878.
- Sydaxay, K., & Wu, X. (2020). Chinese Police Administrative Ethics Practice. *Open Journal of Social Sciences, 8*, 303-315.
<https://doi:10.4236/jss.2020.81023>
- Tabatabaie, N., Tabatabaie, S., Kakai, Y., & MohammadiAria A. (2012). The Relationship between Identity Styles and Responsibility with Educational Achievement in High School Students in Tehran. *Refahj. 12* (44):23-42.
<http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-912-fa.html>
- Accountability of the Commanders of Imam Ali University and their Emotional Intelligence (Shad model). *Military management, 11*(41), 67-90.
http://jmm.iranjournals.ir/article_3831.html
- Flensburg-Madsen, T., Vetegodt, S., & Merrick, J. (2005). Why is Antonovskys sense of coherence not correlated to physical health? Analyzing Antonovsky's 29-item sense of coherence scale (SOC-29). *Scientific World Journal, 5*, 767-76.
- Glaser, W. (1989). Schools without failure. Translated by Hamzeh Tabrizi. (2000) Tehran: Javaneh Roshd Publications.
- Grøholt, E. K., Stigum, H., Nordhagen, R., & Köhler, L. (2003). Is parental sense of coherence associated with child health? *European Journal of Public Health.13* (3), 195-201.
- Hergenhan, B. R., & Elson, M. H. (2001). An Introduction to Learning Theories (translated by Ali Akbar Seif, 2005). Tehran, Doran Publishing.
- Kabirnejad, S., Mahmoud Alilou, M., & Sharifi, M. (2010). The reliability of the narrative and the scale of the attitude towards responsibility. *Psychological Research, 13* (1), 109-123.
- Kalmes, H., & Bean, R. (1989). Teaching responsibility to children (translated by Parvin Alipour, 2006). Tehran: Astan Quds Razavi.
- Kravetz, S., Drory, Y., & Florian, V. (1993). Hardiness and sense of coherence and their relation to negative affect. *European Journal of Personality, 7*(4), 233-44.
- Marnat, G. (1997). Psychological assessment guide. (Vol. II, third edition). Translated by Hassan Pasha Sharifi and Mohammad Reza Nikkhoo (1999). Tehran, Roshd.
- Mousavi Dehmardi, A. (2000). The Relationship between Job Satisfactions; Motivation for Mental Health and Responsibility for Male Coaching. Unpublished master's thesis, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz.
- Nijholt, A., Stock, O., & Nishida, T. (2009). Social intelligence design in ambient intelligence. *AI & Society, 24*, 1-3.

zare, S., Naseri Jaahromi, R., zeinalipoor, H., & Mohammadi, M. (2017). Examine the mediating role of accountability in the relationship between knowledge management and Employees communication skills (Case Study: Department of Education Fars Province). *Knowledge Studies*, 3(10), 1-20.

<https://doi:10.22054/jks.2017.21829.1133>